



شواهد نشان می دهند که شاخه‌های داعش خراسان در غرب، مرکز و جنوب آسیا گسترش یافته‌اند

# داعش سازی در شرق تهدید فرامنطقه‌ای شد



تخرج دفعتا من جند الخلافة في خراسان

می‌شود دوگانگی ساختاری محلی-خارجی آن است. با توجه به ماهیت منشأ سازمان و چالش‌های متعاقب موجودیت آن از سال ۲۰۱۴، داعش خراسان ساختاری عمل‌گرایانه از لایه‌های بیرونی و درونی غیرترکیبی اتخاذ کرده است. درحالی‌که عناصر محلی (جنگجویان پشتون افغان و پاکستانی) به‌عنوان چهره عمومی این گروه عمل می‌کنند، هسته اصلی آن شبکه‌ای از عناصر خارجی است که از شبه‌نظامیان خارجی از مناطق فوق تشکیل شده است.

منشأ تکه‌تکه داعش خراسان در اواخر سال ۲۰۱۴ دوگانگی ساختار آن را در آینده تسهیل کرد. در ابتدا، این سازمان در نتیجه سه فرآیند جداگانه استخدام، اسکان مجدد و تغییر موقعیت به‌وجود آمد. در سال ۲۰۱۴، گروه‌های تروریستی داخلی و خارجی به دلیل عملیات نظامی ارتش پاکستان از وزیرستان شمالی متفرق شدند. برخی از عوامل سطح بالای تحریک طالبان پاکستان (TTP) دوباره در شمال غربی پاکستان، یعنی دره تیره، مسیری کوهستانی در ناحیه خیبر، بین گذرگاه خیبر و دره خانکی در پاکستان، ظهور کردند، با دولت اسلامی تازه ایجاد شده در آن زمان بیعت کردند و هزاران قبیایل محلی پشتون را به خدمت گرفتند.

در اقدامی موازی درست قبل از عملیات طالبان، صدها جنگجوی خارجی از جمله جنگجویان مرتبط با جنبش اسلامی ازبکستان (IMU) و جنبش اسلامی ترکستان شرقی (ETIM) را در شرق و جنوب افغانستان اسکان دادند. بلافاصله پس از تأسیس داعش خراسان، دولت اسلامی برخی از عوامل خود را از خاورمیانه به منطقه افغانستان و پاکستان منتقل کرد. درنهایت هر سه گروه در ولسوالی‌های جنوبی ولایت ننگرهار دوباره گردهم آمدند. در این ولسوالی‌ها جنگجویان داعش خراسان در گروه‌های کوچک متشکل از عناصر محلی (پشتون) و خارجی، سازماندهی مجدد شدند.

درحالی‌که ستیزه‌جویان پشتون چهره عمومی این گروه بودند، جنگجویان خارجی آن عمدتاً در اعماق دره‌ها مستقر بودند و با مردم محلی درگیر نبودند و توسط جنگجویان محلی محافظت می‌شدند.

از نظر استراتژیک دوگانگی در ساختار سازمانی، انعطاف‌پذیری، ظرفیت بقا و توانایی سازگاری سریع را به داعش خراسان ارائه کرد. این گروه از جنگ‌های موازی ایالات متحده، دولت سابق جمهوری افغانستان و شورش طالبان علیه آن در سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ جان سالم به‌در برد و هر بار که شکست خورد، دوباره به‌سرعت ظهور کرده است. طالبان بلافاصله پس از به قدرت رسیدن در کابل، یک کارزار بیرحمانه را علیه این سازمان به‌راه انداخت. با این حال، لایه بیرونی داعش خراسان، جنگجویان محلی آن، هدف انحصاری طالبان باقی‌مانده و طالبان همواره وجودعناصر خارجی در داخل داعش خراسان را انکار کرده‌است. برای طالبان، کارزار بیرحمانه علیه عناصر محلی داعش خراسان ایدئولوژیک نیست، بلکه استراتژیک است.

هدف رژیم طابان با ازین‌برن یردن صدها ستیزه‌جوی محلی داعش خراسان، حذف رقبای داخلی حاکمیت اسلامی افراطی خود در کشور است. طالبان می‌داند که عناصر خارجی داعش خراسان جاه طلبی سیاسی برای کسب یا ادعای اقتدار در کشور ندارند. علاوه‌بر این، همکاری ایدئولوژیک بین داعش خراسان و طالبان باعث سوق دادن طالبان به حفاظت از هسته داعش خراسان در افغانستان شد.

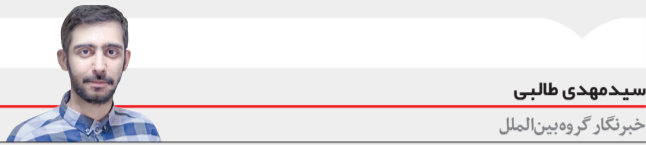
### همگرایی ایدئولوژیک با طالبان

برخلاف ادعای غالب در مورد واگرایی ایدئولوژیک بین طالبان و داعش خراسان، ادبیات طالبان در واقع نشان دهنده همگرایی بین این دو سازمان است. اول و مهم‌تر از همه، طالبان نه با ایجاد دولت اسلامی و نه گروه تابعه آن در منطقه مخالفت نکردند. برعکس، رابطه اولیه بین آنها همکاری بود. طالبان از ایجاد دولت اسلامی استقبال کردند و به رسانه‌های افغانستان دستور دادند که از انتشار اخبار مخرب درباره این گروه پرهیز کنند. داعش هم بخشی از رسانه جهانی خود را به گزارش و اخبار شورش طالبان اختصاص داد. روابط صمیمانه هنگامی به تیرگی گرایید که دولت اسلامی درخواست رهبر طالبان مبنی بر بیعت داعش خراسان با امیرالمومنین طالبان را به‌جای ال‌بی‌آی رد کرد. طالبان مدعی بودند این بیعت باعث متحد شدن جبهه جهاد در افغانستان می‌شود. در پاسخ، دولت اسلامی نه‌تنها این درخواست را رد کرد، بلکه رهبر طالبان را نیز تحقیر کرد. اما این روابط رو به وخامت، ایدئولوگ‌ها و روحانیون طالبان را از افشای همکاری خود با دولت اسلامی در مورد مسائل جهاد جهانی و اهمیت یک اقتدار سیاسی فراگیر برای مسلمانان (خلافت) باز نداشت. در مساله جهاد جهانی، منابع ایدئولوژیک طالبان به قداست، ضرورت اخلاقی و ضرورت استراتژیک جهاد اذعان دارند. با این حال، برخلاف دولت اسلامی، طالبان در مقاطع مختلف، جبهه‌های مختلف جهاد جهانی را استراتژی و اولویت‌بندی می‌کنند. آنها ادعا می‌کنند که برای جهاد جهانی حد و مرز وجود ندارد، اما جبهه‌های مختلف وجود دارد. در پاسخ به انتقاد شدید داعش خراسان از آتش‌بس طالبان با ایالات متحده در دوحه، طالبان آن را حرکتی

## یادداشت

«اراده دولتی» در پشت «عملیات تروریستی حرم شاهچراغ» متعلق به چه کشورهایی است؟

# سفارش دهندگان تروریسم



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

مهسا امینی دختری که توسط پلیس امنیت اخلاقی تهران دستگیر شده بود، همزمان با حضور در یکی از اماکن این نیرو بر اثر عوارض ناشی از عمل تومور مغزی در کودکی، دچار عارضه شده و در نهایت روز ۲۵ شهریور ماه در بیمارستانی درگذشت.

این پیش‌آمد موجب شد تا به‌بهانه حمایت از وی، در کنار اعتراضات معمول، پروژه‌سنگین خارجی نیز تحت پوشش این اعتراضات به اجرا درآید.

طراحان «اتاق عملیات اغتشاشات ایران» براساس یک شیوه‌مرسوم که در جریان انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) موجب سقوط نظام پادشاهی ایران شد، به دنبال آن بودند تا همچون دوره گذشته از طریق برگزاری چهل‌م‌برای مهسا امینی و کشته‌شدگان دیگری که در این اغتشاشات به‌معترضان منسوب می‌شدند، کشور را از التهابی طولانی مدت فرو برند.

نخستین چهل‌م که به مهسا امینی تعلق داشت، با فراخوان‌هایی برای تشدید اغتشاشات در روز چهارشنبه ۴ آبان همراه شد. طراحان معتقد بودند فشرده شدن خشم ناشی از فوت یک دختر ۲۰ ساله، که طی ۴۰ روز اغتشاش و زیر تبلیغات گسترده دشمن تشدید شده بود، در صورت‌رها شدن ناگهانی در روز چهل‌م‌وی می‌تواند منجر به گشایش بزرگی برای جبهه‌غربی علیه ایران شود. بر همین اساس روز ۴ آبان یکی از ملتهب‌ترین روزهای اغتشاشات بود. این مساله به تروریست‌ها اجازه داد تا بتوانند پنج سال پس از آخرین عملیات تروریستی از این دست، ضربه‌ای به ایران وارد سازند. آخرین حمله تروریستی پیش از این روز به حمله علیه رژه نیروهای مسلح در ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ در اهواز بازمی‌گشت که در آن ۲۵ تن از حاضران به شهادت رسیده و ۶۸ تن دیگر زخمی شده بودند.

پس از پنج سال وقفه در اقدامات مسلحانه تروریستی، در آخرین ساعات شب ۴ آبان، تقریباً همزمان با برپایی نماز مغرب و عشا یک فرد مسلح وارد حرم شاهچراغ شیراز شده و حاضران در یک مکان را به گلوله بست. حضور یک نیروی امنیتی در حرم که پس از اتمام کار خود به این مکان وارد شده بود و همچنین حضور به‌موقع نیروهای امنیتی ۱٫۵ دقیقه پس از آغاز عملیات، باعث شد این تروریست علی‌رغم داشتن چند خشاب ۴۰ فشنگی نتواند به میزان فشنگ‌های خود به مردم آسیب برساند.

در این درگیری ۱۳ تن به شهادت رسیده و ۲۰ تن دیگر نیز زخمی شدند اما بسته شدن تعدادی از درهای حرم توسط مسئولان مربوطه پس از مشاهده ورود حمله از طریق دوربین‌های موجود مانع از گسترش تلفات شد.

برای ناظران امنیتی مشهود است حتی پیچیده‌ترین و بزرگ‌ترین گروه‌های تروریستی نیز قادر به انجام برخی عملیات‌هایستند زیرا اقدامات خاص نیازمند زنجیره‌ای از نیازمندی‌هاست که تأمین و برنامه‌ریزی آنها از یک ساختار قدرتمند با توانایی‌هایی در سطح دولت برمی‌آید. این موضوع از مکان و اهداف حمله نیز قابل تشخیص است.

در حملات به مرقد امام خمینی (ره) و مجلس شورای اسلامی که توسط گروه تروریستی داعش در آخرین روزهای بهار ۱۳۹۶ (۲۰۱۷) صورت گرفت، مکان، زمان و نقشه حمله نشان دهنده وجود دست‌هایی بلندتر از دستان یک گروه تروریستی در حال شکست بود. در این حمله محل دفن موسس و معمار انقلاب اسلامی ایران و پارلمان این کشور به‌عنوان خانه ملت مورد حمله تروریست‌ها قرار گرفت. این حمله از نظر زمانی نیز فاصله قابل توجهی با اوج گسترش داعش داشت که از سال ۲۰۱۴ شدت گرفته بود.

حمله داعش در شرایطی روز ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ (۷ ژوئن ۲۰۱۷) روی داد که موصل پایتخت این گروه تنها ۲۸ روز بعد از این اقدام، تقریباً پس از یک‌سال جنگ توسط نیروهای مسلح عراق آزاد شد.

داعش که به دلیل عملیات‌های گسترده در عراق و سوریه و در وضعیتی فرغ‌بخ قرار داشت و در اوج فعالیت خود نیز قادر به انجام عملیات علیه ایران نشده بود، به ناگاه در بحبوحه گرفتاری‌هایش تهران را نشانه گرفت.

علی‌رغم صحنه‌سازی صورت گرفته، واضح بود که این اقدام با هدایت و چراغ‌سبز جبهه غربی-عربی صورت گرفته است. درحالی‌که دولت داعش آخرین نفس‌هایش را می‌کشید و با تنزل در حال تبدیل شدن به یک گروه تروریستی آواره بود، محور مقاومت با جنگ علیه داعش بر قدرت خود افزود. درحقیقت عملیات تروریستی در تهران پاسخ تعدادی از دولت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای به پیشروی‌های محور مقاومت در مسیر ایران-حدیترانه بود. این مساله به معنای تیرژه داعش از عملیات تروریستی سال ۹۶ نیست بلکه نشان دهنده آن است که داعش در این عملیات تنها نبوده و صرفاً رونبا و اجراکننده نهایی آن به شمار می‌رفت.

به‌شکلی تقریباً مشابه عملیات داعش در ۴ آبان ۱۴۰۱ نیز در سطح یک گروه تروریستی آواره نبود و از سوی دیگر نحوه و زمان انجام آن نیز بر شک و تردیدها نسبت به دولتی بودن آن می‌افزود.

### چه دولت‌هایی سفارش دهندگان تروریسم هستند؟

در جنگ‌های نیابتی، نایبان هر چند تحت نفوذ صاحبان‌شان قرار دارند اما همیشه این گونه نیست. کشورهای غربی به شکل مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه نقش داشتند و این جبهه از مجرای این کمک‌ها توانست تروریست‌ها را در راستای طرح‌های خود به حرکت درآورد. با این وجود در میزان فرمان‌پذیری این گروه‌ها تفاوت وجود داشت.

روحانیون سلفی پرورش یافته با پول‌های عربستان سعودی پس از نفوذ چندین ساله در سوریه با جذب تعدادی از مردم این کشور دست به شورش علیه دولت مرکزی زدند و با تبلیغات ارسال‌شده از طریق مرزهای ترکیه قدرت یافتند اما برای مدتی به القاعده پیوسته و پس از شکست در این ائتلاف، با تغییر نام بار دیگر به‌طور کامل در آغوش موسسان‌شان قرار گرفتند.

عدم توانایی جبهه‌غربی-عربی در هدایت کامل گروه‌های نیابتی‌ای که ایجاد کرده‌به‌پاشنه آشلی برای این جبهه تبدیل شده است به گونه‌ای که در برخی مواقع این گروه‌ها همانند بوم‌زنگ عمل کرده‌و آسیب‌هایشان را متوجه موسسان‌شان می‌سازند.

با این حال زمینه‌های همکاری میان آنان حتی در صورت دشمنی بسیار، به‌طور کامل قطع نمی‌شود. همکاری برای عملیات علیه دشمن مشترک در ازای امتیازاتی مانند پول یا آزادسازی زندانیان، یکی از این زمینه‌های همکاری است. به‌نظر می‌رسد جبهه‌غربی عربی با بازیابی داعش موفق شده زمینه‌های همکاری خود با این گروه را افزایش دهد. از یک سو این گروه پس از خارج شدنش از کنترل و آسیب رسیدن به آن از سوی محور مقاومت، برای آنکه قادر به مانور باشد به نقطه‌ای دیگر منتقل شده است. جبهه‌غربی عربی دست به انتقال عناصری از داعش به افغانستان و آسیای میانه زدند که حاضر به همکاری با غرب هستند. این گروه‌ها در افغانستان و آسیای میانه علیه دولت‌های این منطقه جنگیده و بدون آنکه آسیبی به منافع آمریکا وارد سازند صرفاً آسیب‌هایشان را متوجه دشمنان این کشور می‌سازند در حالی‌که حضورشان در غرب آسیا می‌توانست برای کشورهای عربی منطقه نیز خطر ساز باشد. از طرفی دیگر فضای فعالیت این گروه در غرب آسیا تا حد زیادی مسدود شده است اما در افغانستان به دلیل بی‌ثباتی و در آسیای میانه به دلیل مبارزه شدید دولت‌های این منطقه با دین، زمینه‌های افراط‌گرایی مذهبی کماکان وجود دارند. به همین دلیل غرب در تلاش است افغانستان و آسیای میانه را به پرورش‌گاه تروریسم و به نوعی منبع تغذیه آن و قفقاز را به یکی از منابع توزیع آن در منطقه مبدل کند.

تا تکنیکی در جهاد بزرگ‌تر توجیه کردند. آنها استدلال می‌کنند که هر دو مکتب فقه اسلامی حنفی و شافعی آتش‌بس با کفار را برای اهداف گسترده‌تر و استراتژیک جهادی مشروع می‌دانند.

یکی دیگر از زمینه‌های همکاری ایدئولوژیک بین داعش خراسان و طالبان، ایجاد یک اقتدار سیاسی یا خلافت فراگیر برای جامعه مسلمانان است. طالبان الزامات اخلاقی و ایدئولوژیکی این دیدگاه را تصدیق می‌کنند. با این حال، آنها با داعش خراسان در رویکرد غیرسیستماتیک و شدید دولت اسلامی در اعلام خلافت اختلاف دارند. همانند القاعده، طالبان خلافت دولت اسلامی را نامشروع نمی‌دانند، اما در عوض زودرس و معکوس می‌دانند. آنها ادعا می‌کنند که زمان مناسبی برای تحقق چنین رویای مقدسی، همواره وجود دارد. چشم‌انداز طالبان برای بخشی از یک خلافت یا تأسیس خلافت خود، براساس روابط پایدار آنها با سازمان‌های منطقه‌ای و تروریستی از جمله القاعده، تحریک طالبان پاکستان و عوامل خارجی داعش خراسان روشن است.

### پتانسیل آینده

به‌طور کلی همکاری ایدئولوژیک بین داعش خراسان و طالبان در مورد جهاد جهانی و ایجاد مجدد خلافت فراگیر منجر به ایجاد رابطه مبهم بین آنها شده است. رژیم طالبان که به‌طور استراتژیک برای ازبین بردن رقبای داخلی بالقوه عمل می‌کند، یک جنگ کم‌حاشیه را منحصر علیه لایه بیرونی داعش خراسان-جنگجویان محلی آن-به‌راه انداخته است. در بستری گسترده‌تر، طالبان می‌داند که هدف داعش خراسان نفوذ به مناطق اطراف از جمله آسیای مرکزی، جنوبی و غربی است. چنین هدفی حداقل در اصل با مشروعیت داخلی با الزامات استراتژیک رژیم طالبان در تضاد نیست. برعکس، یک ضرورت اخلاقی برای طالبان وجود دارد که حداقل بخشی غیرمستقیم از طرح ایدئولوژیکی گسترده‌تر جهانی داعش خراسان باشد. داعش خراسان با تحقق چشم‌انداز استراتژیک خود برای گسترش به مناطق اطراف، به‌طور سیستماتیک از شرق افغانستان خارج شده و در ولایات شمالی و غربی کشور نفوذ کرده است. در این مناطق، سازمان لایه بیرونی خود را با جایگزین کردن ستیزه‌جویان پشتون با سربازان تاجیک و ازبک از افغانستان و آن سوی مرزهای جمهوری‌های آسیای مرکزی تغییر می‌دهد. این تغییر، داعش خراسان را به‌زندیکی استراتژیک با جمهوری‌های آسیای مرکزی و ایران-دو هدف برای دولت اسلامی-رسانده است. عوامل ایدئولوژیک، قومی، زبانی و سیاسی افغانستان معاصر در خدمت داعش خراسان با پتانسیل توسعه و رشد هستند. ادامه ستم رژیم طالبان بر اقلیت‌های قومی و مذهبی باعث ایجاد اختلاف می‌شود. به این ترتیب داعش خراسان می‌تواند راهی مناسب برای هدایت مخالفان به مقاومت فعال باشد. به‌علاوه، مقاومت مداوم ضد طالبان در شمال افغانستان این پتانسیل را دارد که محیطی را برای رشد شبه‌نظامیان داعش خراسان فراهم کند.

از نظر ایدئولوژیک، سلفی‌گری از سال‌های جهاد افغانستان در دهه ۱۹۸۰ در مناطق شمالی افغانستان، عمدتاً در ولایات تخار و بدخشان، حضور نسبتاً مشهودی داشته است. هزاران کودک از این استان‌ها در مدارس سلفی در پاکستان ثبت‌نام کردند. پس از بازگشت، آنها بذر سلفی‌گری را با تأسیس مدارس جدید یا فرستان کودکان بیشتری به مراکز آموزشی خود در پاکستان گاشتند. انتقال داعش خراسان به شمال افغانستان می‌تواند بسیاری از سلفی‌های محلی را جذب کند. با این اوصاف، سرکوب بیرحمانه جنگجویان پشتون داعش خراسان توسط طالبان موهبتی برای این سازمان است. از زمان سقوط کابل به دست طالبان، داعش خراسان دوباره ظهور کرده و به‌طور سیستماتیک در حال تکامل بوده است. در اوایل سال ۲۰۲۲، داعش خراسان درباره عصر جدیدی از جهاد جهانی هشدار داد. در ماه‌های بعد، نه‌تنها عملیات خود را در سراسر آمودریا در ازبکستان و تاجیکستان گسترش داد، بلکه سفارت روسیه در کابل را نیز هدف قرار داد، چندین منشی و ایدئولوگ برجسته طابان را ترور کرد و خشونت بی‌سابقه‌ای را علیه غیرنظامیان در پاکستان و افغانستان ترتیب داد. مجله اینترنتی داعش خراسان، صدای خراسان، در شماره سپتامبر خود آماری از یک ماه عملیات، از جمله کشته شدن ۵۳ جنگجوی طالبان، ۱۵ رافضی (اصطلاح تحقیرآمیز برای مسلمانان شیعه توسط سلفی‌ها)، ۱۲ سرباز پاکستانی، و دو دیپلمات روسی منتشر کرد.

در ازبایی پتانسیل داعش خراسان، باید اذعان کرد که سازمانی شورشی نیست که به دنبال دستاوردهای سرزمینی باشد. برعکس، داعش خراسان زیرمجموعه فرامنطقه‌ای دولت اسلامی است که بر عزم خود برای گسترش دسترسی ایدئولوژیک، استراتژیک و تاکتیکی خود به مناطق اطراف استوار است و تاکنون شواهد حاکی از تحقق مأموریت گسترش شاخه‌هایش در سراسر خراسان پنهان هستند.

<b>میثم محمدی</b>
<div>مترجم</div>

در میانه اغتشاشات ایران، حمله تروریستی به حرم شاهچراغ در شیراز که منجر به شهادت وزخمی شدن ده‌هاتن شیدار دیگر بحث‌ها درباره میزان قدرت داعش را به صحنه عمومی آورد.

عامل این حمله یک تروریست تاجیکستانی تبار گروه داعش بود.

دستگاه‌های اطلاعاتی ایران پس از دستگیری اعضای تیم پشتیبانی داعش در ایران، اعلام کردند این گروه چندین تبعه خارجی را در ایران سازماندهی کرده بود تا دست به عملیات‌های دیگری بزنند. بنابر نقل این دستگاه‌ها وظیفه هدایت آنها برعهده فردی قرار داشت که مدتی پیش از عملیات تروریستی شیراز، از طریق فرودگاه باکو در کشور آذربایجان به فرودگاه امام خمینی (ره) تهران وارد شده و در ایران مستقر شده بود.

گفته می‌شود این گروه شناسایی یک تیم مانع از اجرای آنها شد. این مساله ترتیب دهه که شناسایی این تیم مانع از اجرای آنها شد. این مساله نشان می‌دهد داعش بار دیگر قدرت یافته است؛ موضوعی که بدون حمایت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای امکان‌پذیر نبود.

دکتر «عطال احمدزی» استادیار مدعو روابط بین‌الملل در دپارتمان دولتی دانشگاه سنت لانس در نیویورک به تازگی مقاله‌ای درخصوص

قدرت‌گیری مجدد این گروه به نگارش درآورده است. این مقاله با عنوان «گذار داعش خراسان به یک تهدید فرامنطقه‌ای» در ۱۱ نوامبر جاری (۲۰ آبان) در نشریه دیپلمات منتشر شده است.

دکتر احمدزی به عنوان یک محقق فوق‌دکتر در دانشگاه آریزونا،

سیستم‌های حکومتی بازیگران غیردولتی خشن را در جنوب آسیا مورد مطالعه قرار داده است. احمدزی که در کابل متولد و بزرگ شده است، بیش از ۱۰ سال تجربه تحقیقاتی در زمینه مطالعه تروریسم دارد. آثار او در مجلات دانشگاهی، از جمله دیدگاه‌های تروریسم منتشر شده است. او همچنین تاکنون در مجله فارین پالیسی تحلیل‌های گوناگونی را در قالب گفت‌وگو و مقاله خشونت سیاسی در یک نگاه، منتشر کرده است. در ادامه مقاله وی را در ارتباط با بررسی داعش خراسان می‌خوانید.

#### III

به قدرت رسیدن طالبان، صلح را برای افغانستان به ارمغان نیاورد. کاملاً برعکس، اشکال مختلف خشونت از اعدام‌های غیرقانونی رژیم طالبان تا مقاومت مسلحانه ضد طالبان، و خشونت‌های هدفمند داعش خراسان (ISKP) یا ادامه یافته یا در حال ظهور هستند. داعش خراسان زیرمجموعه فرامنطقه‌ای دولت اسلامی سابق مستقر در عراق و سوریه در منطقه پنهانور تاریخی خراسان است که بخش‌هایی از غرب، جنوب و آسیای مرکزی مدرن را دربر می‌گیرد. با وجود گسترش دامنه عملیات داعش خراسان در این مناطق از زمان سقوط کابل در سال ۲۰۲۱، بیشتر اطلاعات درباره داعش خراسان متناقض هستند.

طالبان همواره تهدید داعش خراسان را کم‌اهمیت جلوه داده و مدعی هستند که این سازمان را در افغانستان ریشه کن کردند. برخی کارشناسان غربی هم ادعا می‌کنند که تهدید داعش خراسان ناچیز یا در حال کاهش است. از سوی دیگر، بازیگران منطقه‌ای و جهانی مانند روسیه، چین، هند و همچنین منابع اطلاعاتی ایالات متحده در مورد رشد شاخه‌های داعش خراسان در مناطق اطراف هشدار می‌دهند. تناقض در نگاه‌ها به توان و پتانسیل داعش خراسان چشمگیر است. علاوه‌بر این، هر استدلالی هم تنها خودش را حقیقت می‌پندارد.

بنابر این بررسی عمیق چند پرسش اساسی ضروری است: چرا داعش خراسان در راز پنهان شده است؟ نقاط قوت و ضعف سازمان چیست؟ و چه پتانسیل‌هایی می‌تواند آن را به یک تهدید منطقه‌ای و جهانی تبدیل کند؟ اختلاف در اطلاعات در مورد داعش خراسان سرچشمه‌های گوناگونی دارد. برخی از آنها به ابعاد بررسی نشده داعش خراسان، از جمله ساختار سازمانی، همکاری ایدئولوژیک آن با طالبان و همچنین فرصت‌های در حال ظهور برای داعش خراسان در مناطق شمالی افغانستان مربوط می‌شود. از آنجایی که چنین عواملی ناشناخته مانده‌اند، این سازمان را در نقابی پنهان کرده‌اند.

### ساختار سازمانی

این سازمان تنها متشکل از جنگجویان محلی پشتون از افغانستان و پاکستان نیست، بلکه یک گروه فراملیتی جنگجویان از آسیای مرکزی و جنوبی و خاورمیانه است. آنچه همچنان در مورد این گروه نادیده گرفته